

مطالعات ایرانی در لهستان*

مستشرقین لهستانی از همان آغاز فعالیت برافتخار خود نسبت با ایران ابراز علاقه نمودند. در اوایل قرن هفدهم هنگامیکه مستشرقین لهستانی شروع بمطالعه در رشته ایران شناسی نمودند سایر کشورهای اروپا هنوز با این رشته که یکی از وسیع ترین رشته های دانش بشری گردید آشنائی نداشتند.

وقتی راجع بابتدای شرق شناسی در اروپا صحبت میشود انسان بیاد مستشرقین فرانسوی وانگلیسی وآلمانی وروسی می افتد در حالیکه در واقع لهستانها بنیان گذار شرق شناسی در اروپا بودند زیرا در سال ۱۶۰۱ والنٹی ساموئل اتوینوسکی محقق لهستانی ترجمه گلستان سعدی را منتشر ساخت و این اولین باری بود که يك اثر ادبی ایران بطور جداگانه در اروپا انتشار می یافت. کلیه ترجمه های دیگری که از این شاهکار ادبی در اروپا بعمل آمده بعد از این تاریخ بوده است. این امر کاملاً طبیعی است زیرا ملت لهستان اولین ملت اروپائی بود که در سال ۱۴۷۴ میلادی روابط سیاسی و بازرگانی با ایران برقرار ساخت.

بعدها عدد دیگری از مستشرقین لهستانی بوالنٹی ساموئل اتوینوسکی تاسی جستند و در رشته ایران شناسی بمطالعه وتحقیق پرداختند. مثلاً فرانسیسک منینسکی در سال ۱۶۸۰ دیوان حافظ را که بزبان لاتینی ترجمه کرده بود منتشر ساخت.

در قرن هجدهم بسیاری از مستشرقین لهستانی که زبانهای شرقی را در قسطنطنیه آموخته بودند از اسلاف خود بیروی کرده بمطالعه در آثار ادبی ایران پرداختند. ثمر بخش ترین واقعه ای که در این زمینه اتفاق افتاد اقامت دو نفر از بسوعیون لهستانی بنام زاپولسکی وتادموش کروشینسکی در ایران بود. نامبردگان چندین سال در صومعه های اصفهان بسر بردند و کاملاً با اوضاع ایران آشنائی پیدا نمودند.

کروشینسکی برای کسانی که میخواستند کاملاً کشور ایران را بشناسند یکی از اولین مصنفین کلاسیک بود.

وی آثار گسترانیهائی بزبان انگلیسی و لاتینی منتشر ساخت که اهم آنها

* این مقاله را استاد بزبان فرانسه نوشته اند که سپس بفارسی برگردانده شده.

عبارتند از :

- ۱ - تاریخ انقلاب ایران - دوبلین - ۱۷۲۹
 - ۲ - تاریخ انقلاب اخیر ایران - ۱۷۳۳
 - ۳ - شرح دقیق و فحیح تاریخ جنگهای ایران - لوف ۱۷۳۴
 - ۴ - شرح فحیح جنگهای ایران
 - ۵ - یادداشتهای يك نفر مسافر - میتفورد ۱۸۴۰
- دو نفر از مستشرقین نابغه لهستان بنام الکساندر خوجکو و آ. بیبرشتاین - کازیمیرسکی که از مشهورترین مستشرقین اروپایی قرن نوزدهم بودند رونق مخصوصی بمطالعات ایرانی در لهستان بخشیدند .
- خوجکو در سال ۱۸۲۴ در فرانسه اقامت گزیده . وی در همان اوان بعنوان مستشرق شهرتی کسب کرد و چندین سال بسمت مترجم سفارت فرانسه در تهران بسر برد و در مراجعت بیاریس بسمت استاد کلژد و فرانس منصوب شد و تا پایان عمر یعنی سال ۱۸۸۴ باین سمت باقی بود وی اولین کسی بود که در باره ادبیات عامیانه و اقتصادیات کشور ایران به تحقیق و مطالعه پرداخت و آثار متعدد و متنوعی بیادگار گذاشت که مهمترین آن ها عبارتند از :

- ۱ - نمونه ای از اشعار عامیانه ایران - پاریس ۱۸۴۲
- ترجمه فرانسه از ژرژساند و ترجمه آلمانی ازولف و غیره . . .
- ۲ - تربیت گرم ابریشم در ایران - پاریس ۱۸۴۳
- ۳ - تئاتر در ایران - مجله مستقل - پاریس ۱۸۴۴
- ۴ - یادداشت هاییکه هنگام برتخت نشستن محمدشاه در همان محل تنظیم شده است
- لاتر بیون ده یویل - ۱۸۴۸
- ۵ - کیلان و مرداب های بحر خزر - پاریس ۱۸۵۰
- ۶ - مسافرتی از تهران تا سواحل دریای خزر در معیت سر هاوایلسون - نوول آنال دهویاز ۱۸۵۰
- ۷ - خراسان و پهلوان ملی آن - پاریس ۱۸۵۲
- ۸ - صنعت نوغان در ایران - مجله شرق - مجله نوغان - ماگازن پیتورسک پاریس ۱۸۵۴
- ۹ - جنگ شهادت - پاریس ۱۸۵۵
- ۱۰ - شهر هرات و پیدایش آن - مجله شرق ۱۸۵۶
- ۱۱ - عشق های یکی از پریان - رمان بزرگی که از فارسی ترجمه شده - اومونیتور - اونیورسل - پاریس ۱۸۵۶
- ۱۲ - تآثر ایران - پاریس ۱۸۷۸

۱۳ - دستور زبان فارسی - چاپ اول پاریس ۱۸۵۲ - چاپ دوم پاریس ۱۸۸۳

آ . بیبرشتاین کازیمیرسکی نیز قسمت اعظم عمر خود را در فرانسه بسر برد و بسمت مترجم سفارت فرانسه در تهران جانشین خوجکو شد . وی بیشتر شهرت خود را مدیون دو تالیف مشهور خود میباشد . یکی ترجمه قرآن که در اول آن یادداشتی در باره شرح حال محمد پیغمبر اسلام (ص) نوشته شده . این ترجمه در سال ۱۸۴۲ در پاریس منتشر

گردید و جزء آثار کلاسیک محسوب میشود و دیگری فرهنگ عربی - فرانسه است که با وجود فرهنگهای متعددی که بهدانگاشته شده بی نظیر میباشد . چاپ اول این فرهنگ در دو جلد قطور در سال ۱۸۶۰ در پاریس و یک چاپ دیگر هم در قاهره منتشر شد .

در رشته ایران شناسی نیز تألیفات مهمی دارد که عبارتند از:

- ۱ - منتخباتی از دیوان منوچهری - ورسای ۱۸۷۶
 - ۲ - مکالمات فرانسه - فارسی با نضمام دستور مختصر زبان فارسی - پاریس ۱۸۸۳
 - ۳ - لغات فرانسه - فارسی - پاریس ۱۸۸۳
 - ۴ - منوچهری شاعر ایرانی قرن یازدهم میلادی - پاریس ۱۸۸۷
- بعلاوه گلستان سعدی را نیز ترجمه نموده و در سال ۱۸۷۹ در پاریس منتشر

ساخته است.

یکی دیگر از دانشمندان این دوره لوسیان شیه مینسکی میباشد که قسمتی از شاهنامه فردوسی را بزبان لهستانی ترجمه نموده و در سال ۱۸۵۵ در ورشو منتشر ساخته است . آنتونی لانگه شاعر معروف لهستانی نیز منتخباتی از نظم و نثر فارسی را ترجمه کرد. تادئوش میچینسکی هم بین سالهای ۱۹۰۰ و ۱۹۰۸ بعضی از رباعیات عمر خیام را ترجمه نمود .

در همین اوان بولیوان آدولف شویبه چیئسکی در سال ۱۹۰۲ تاریخ ادبیات ایران خود را در ورشو منتشر نمود .

باید متذکر شویم که کارول شیما نوسکی آهنگساز هالی مقام لهستانی در سال ۱۹۲۷
۷۴۱ نیز چند آهنگ از اشعار حافظ ساخته است.

در سال ۱۹۲۵ پس از استقلال لهستان روابط مستقل سیاسی بین این کشور و کشور ایران برقرار گردید .

در تاریخ ۱۹ مارس ۱۹۲۷ نیز یک پیمان عدم تجاوز بین دو کشور با مضاء رسید استقرار این روابط سبب گردید که در آن موقع یک انجمن ایران و لهستان در ورشو تأسیس شود و دیگر از نتایج نیکوی روابط حسنه مزبور انتشار کتاب سودمند «مأوزین مذهبی و دیپلماتهای لهستانی در ایران در قرن هفدهم و هجدهم میلادی» تألیف دکتر استانیسلاو بژینسکی میباشد که در سال ۱۹۳۳ در پوتو لیته منتشر گردید .

انتشارات فوق سبب شد که مطالعات در باره ایران بیش از پیش در کشور لهستان توسعه یافته و مستشرقین دیگری مانند آندژی گاورنسکی و کنراد لیبیتسکی از میچینسکی پیروی نموده و رباعیات خیام را بزبان لهستانی ترجمه نمودند .

شکی نیست که بزرگترین ایران شناس عصر حاضر تادئوش کوالسکی بود . وی در تاریخ ۲۱ ژوئن ۱۸۸۹ متولد گردید و در تاریخ ۵ مه ۱۹۴۸ در کراکوی بدرود حیات گفت . خوشبختانه برای نگارنده این سطور فرصتی دست داد که از نزدیک با این دانشمند بلند پایه آشنائی حاصل کنم و آن موقعی بود که هردوی ما از طرف فرهنگستان علوم اتحاد جماهیر شوروی برای شرکت در جشن های دویست و بیستمین سال تأسیس فرهنگستان مزبور دعوت شده بودیم .

این دانشمند عالیقدر که در عین حال یکی از بزرگترین متخصصین ادبیات ترکی

عصر حاضر بود با ادبیات فارسی آشنائی کامل داشت. وی کتاب بی نظیری در بارهٔ عمر خیام تألیف نموده و شاهنامه فردوسی را ترجمه کرده است. انجمن علوم و السنه شرقی لهستان هم اکنون پس از مرگ وی مشغول چاپ اثر اخیر الذکر میباشد.

هنگامیکه لهستانیها بایران آمدند عده‌ای از دانشمندان لهستانی نیز در ایران اقامت گزیدند در تهران انجمنی بنام انجمن مطالعات ایرانی تأسیس کردند و نشریه هائی منتشر ساختند و کفرانس‌هایی ترتیب دادند که این جانب در آن شرکت جست. دانشمندان مزبور سه جلد کتاب بنام «مطالعات ایرانی» بیادگار نهادند که بترتیب در سال ۱۹۴۳ و ۱۹۴۴ و ۱۹۴۵ منتشر گردید. مجلدات مزبور مملو از تحقیقات عمیق در بارهٔ مسائل مختلف مربوط بایران میباشد.

رئیس این انجمن استانیسلاو کوشچالکوسکی استاد سابق دانشگاه اتین بانوری در ویلنو در سال ۱۹۴۳ در طهران کتابی بزبان فرانسه بنام «ایران و لهستان در خلال قرون» منتشر نموده چند نفر از اعضاء این انجمن بعداً در بیروت مستقر گردیدند و در سال ۱۹۴۹ دو جلد نشریه بنام «جزوه‌های بیروت» با کلیه اطلاعات در بارهٔ منابع و کتب مورد استفاده منتشر ساختند.

دسته‌هایی چند از این مهاجرین که مدنی در اهواز و اصفهان اقامت داشتند در این شهرها نشریه‌هایی در بارهٔ خود منتشر نمودند.

پس از پایان جنگ مطالعات ایرانی در لهستان توده‌ای بیش از پیش توسعه یافته و عمیق‌تر شده است و هم آهنگ با ترقیات شگرف دیگر در شؤون فرهنگی و صنعتی و اجتماعی پیشرفت میکنند.

۷۴۲

انجمن علوم و السنه شرقی که مقر آن شهر ورشو میباشد هم اکنون مؤسسه نیرومندی است و مجله‌ای بنام «پشگلند اربانتالیستیچنه» منتشر میسازد که از همان آغاز انتشار به منزلهٔ منبع ضروری برای دانشمندان کلیه کشورها بشمار آمد. قسمت اعظم این نشریه مخصوص مطالعات در بارهٔ ایران میباشد. چندین نفر از ایران شناسان عالیقدر نیز با این انجمن همکاری دارند. آقای دکتر فرانسیسک ماخالسکی در سال ۱۹۵۱ کتاب نسبتاً قطوری در بارهٔ رمان تاریخی در ادبیات ایران منتشر ساخت. آقای آنا نیاش زاینچکوسکی مساعی خود را صرف دیوان حافظ نموده و تا کنون دو جلد کتاب حاوی ترجمه چندین غزل از این شاعر بزمی عالیقدر ایران همراه با متن فارسی آن منتشر نموده است.

آخرین وقایعی که در امر مطالعات و تحقیقات در بارهٔ ایران در کشور لهستان مؤثر بوده است کنگره‌های سه گانه بین‌المللی استشرقین که از پایان جنگ تا کنون تشکیل شده و همچنین جشن‌های هزاره این سینا میباشد که با شکوه و جلال خاصی سال گذشته در لهستان برپا گردید. باین مناسبت چندین مجله مهم لهستان مانند «ژچیه وار شای» و «ولنو شچ» «تریبونالودو» و «پروبلمی» مقاله مهمی در بارهٔ فیلسوف و طبیب بزرگ ایران منتشر نمودند. ژوزف بیلاسکی و آنا نیاش زاینچکوسکی نیز هر یک کتابی در بارهٔ زندگانی و آثار این نابغه بزرگ انتشار دادند.

دانشمندان لهستانی دیگری مانند دکتر ریخمان و دکتر کولا کوسکی نیز کتاب‌هایی در دست تألیف دارند که بزودی منتشر خواهد شد. بوریس ابل مستشرق جوان و هنرمند لهستانی نیز اثر بزرگی در دست تألیف دارد که یقیناً بسیار سودمند و جالب خواهد بود.

امیدوارم این تاریخچه مختصر مطالعات ایرانی در لهستان چگونگی فعالیت و وسیع دوستان لهستانی ما را که میکوشند در ادبیات جهانی مقام شامخیی ادبیات ایران تفویض نمایند دقیقاً تشریح کرده باشد و ما ایرانیان از مساعی دوستان لهستانی خود در این زمینه فوق‌العاده سپاسگزار و ممنون می‌باشم.



از فرستاده تألیف عبدالله خان بهادر فیروز جنگ - چاپ هند

از نوشته‌های قرن یازدهم

علم‌الاشیاء قدما - تاریخچه اسب و اسب شناسی

در وقت سلیمان علیه السلام هزار اسب با پر بود که در عالم میپریدند - و در هر مرغزاری که خوشتر بود میچریدند - و چشمه‌ای که در آن آب شیرین بود هر روز در آنجا فرو آمدندی و آب آن چشمه میخوردندی. سلیمان (ع) را از این حال خبر کردند - عفریت دیورا بفرستاد تا آن اسبان را بگیرد و بیازد - و هر چند عفریت دیو سعی کرد گرفتن میسر نشد. بعد از آن مصلحت بر آن قرار گرفت که دیوان را فرستاده آب آن چشمه تهی سازند و آن چشمه را از شراب پر کنند - چون چنان کردند اسبان شراب از آن چشمه خورده مست شدند - بعد از آن دیو هر یکی یک اسب را از موی پیشانی گرفته بخدمت سلیمان علیه السلام آوردند - جمله را فرومودند که بکشند بکشتن مشغول شدند. تا فرو رفتن آفتاب نهمصد اسب بدین طریق کشتند.

حضرت جبرئیل (ع) رسید و گفت یا سلیمان دست از کشتن این جانوران بدار که ایزد تعالی آفتاب را از این جهت باز داشته تا با زعفران را یعنی نماز دیگر را بوقت ادا نمانی. سلیمان ع از حق درخواست تا برهای باقیمانده گانرا بستند، اصل اسب تازی یعنی عربی از آن چند اسب است. دیگر صفت آنکه اسب چگونگی باید داشتن. دانشمندان این صنعت چنین گفته‌اند که اسب روز جنگ یکرنگ باشد و بهترین رنگ کمیت باشد - فراخ روی - و دلیر - و قوی پشت - و فراخ پیشانی - و فراخ کتف - و فراخ سینه - و کوتاه پشت - و استخوان دم دراز - و فراخ شکم - و فراخ دهن - و فراخ سرین - سیاه چشم - سیاه زانو - سیاه پوز - سیاه خصیه - سیاه دم سیاه سم.

حکایت

از مامون خلیفه پرسیدند که نیکوترین چیزها در دنیا چیست؟ جواب دادند (کنافی الاصل) که سواری بر اسب نیک سواست. و از اردشیر بابکان منقولست که اگر ملوک و بزرگان را سواری اسب نبودی ایشان بر سایر مردمان فضیلتی نداشتندی.